

عناصر اصلی برنامه درسی در الگوی پیش از دبستان مونته سوری

دکتر عزیزاله بابلی بهمنی*^۱، دکتر زهره سعادت‌مند^۲، دکتر محمدحسین یارمحمدیان^۳، زهرا یوز باشی^۴

^۱مدرس خانواده و دانشگاه

baboliaziz@gmail.com

^۲دانشیار دانشگاه خوراسگان اصفهان

^۳استاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

^۴کارشناس ارشد علوم تربیتی، کارشناس مسؤل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

yozbashi57.z@gmail.com

چکیده

مونته سوری، پزشک و فیلسوف تعلیم و تربیت، احتمالاً یکی از برجسته ترین و مشهورترین نظریه پردازان آموزش و پرورش در حوزه ی پیش از دبستان است. تحقیق حاضر درصدد است با تکیه بر دیدگاههای مونته سوری، عناصر اصلی در برنامه ریزی درسی را استخراج و تبیین نماید. در این مقاله ابتدا درباره مبانی فلسفی آموزش و پرورش پیش از دبستان از نقطه نظر مونته سوری بحث و سپس مفاهیم کلیدی آموزش و پرورش در این نظریه تحلیل شده و برای این تحلیل از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. و در پایان عناصر اساسی برنامه درسی پیش از دبستان از دیدگاه او بررسی شده است. مونته سوری هدف اصلی آموزش پیش از دبستان را پرورش و رشد استقلال و کسب مهارت های فردی و اجتماعی می داند و روش خودآموزی، خود ارزیابی و خود اصلاحی را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می کند.

واژه های کلیدی: مونته سوری، آموزش و پرورش پیش از دبستان، برنامه ریزی، برنامه ریزی درسی، و خودآموزی.

Archive SID

مقدمه

قرن بیستم که به عنوان قرن کودک شناخته شده در مقایسه با زمان های گذشته در واقع همچون عهدی طلایی برای کودکان است. هرچه از نظر تاریخی بیشتر به عقب بر گردیم سطح مراقبت از کودکان پایین تر بوده و حتی مسئله ی از بین بردن و کشتن کودکان هم نمایان تر می شود. کودکان تا قبل از قرن هفدهم، محرومیت های بسیار و ضرب و جرح های عذاب آوری را متحمل شده اند (دی ماز^۱، 1974 به نقل از عبدی 1387).

اما اکنون نگاه متفاوتی به دوران کودکی و بخصوص دوره ی پیش از دبستان هم از نظر میزان مراقبت وهم از نظر کیفیت برنامه های ارائه شده صورت می گیرد، چرا که این دوره ای حساس از لحاظ جسمانی، عقلانی، اعتقادی و زبانی برای کودکان به حساب می آید. بنابراین لازم است برنامه های این دوره از غنا و پویایی لازم برخوردار باشد و اهمیت لازم به این برنامه ها داده شود (ترکمان، 1382) در چند دهه اخیر، نام نویسی کودکان در دوره های پیش دبستانی در اکثر کشورهای دنیا رشد فزاینده ای داشته است. این رشد روزافزون نتیجه طبیعی تأکید متخصصان امر تعلیم و تربیت بر تأثیر مثبت گذراندن چنین برنامه هایی بر رشد اجتماعی، شناختی و تحصیلی کودکان می باشد (کامیلی^۲ و همکاران، 2010)

طیف گسترده ای از نظریه پردازان به تحلیل و بررسی مسائل مرتبط با آموزش و پرورش پیش از دبستان پرداخته اند، کارشناسان این حوزه دیدگاه های گوناگونی را طرح کرده اند که گاه محل بحث و مناقشه قرار گرفته اند. نمونه سوری^۳ از جمله افرادی است که آموزش و پرورش پیش از دبستان عمیقاً تحت تأثیر آثار و افکار وی بوده و آرا و اندیشه های او در شکل گیری و نظام دهی به الگوهای پیش دبستانی بسیار اثرگذار بوده است. از وی آثار فراوانی در قالب کتاب، مقاله، نامه و گفت و گو به جا مانده است که می توان از لایه لای این آثار مؤلفه های اصلی اندیشه وی را استخراج کرد و با مطالعه دیدگاهها و تجربیات آموزشی وی، به نظریه برنامه درسی متناسب با آن دست یافت.

تحقیق حاضر درصدد است با تکیه بر دیدگاه های نمونه سوری، فیلسوف و مربی بزرگ تعلیم و تربیت، عناصر اصلی نظریه برنامه درسی در آموزش و پرورش پیش از دبستان را استخراج و تبیین کند.

برای بررسی نظریه برنامه درسی در این دیدگاه تربیتی، شناخت و آگاهی از مکتب فلسفی و نقطه نظرات تربیتی آموزش و پرورش پیش از دبستان درباره اهداف، روشها و محتوا که مبانی فلسفی برنامه درسی را تشکیل می دهند، ضروری است. از آنجاکه نظریه برنامه درسی مجموعه ای از بیانات مرتبط با هم است که از طریق مشخص کردن ارتباط میان عناصر برنامه درسی و هدایت فرایند تدوین، استفاده و ارزشیابی از آن، به برنامه درسی معنا می بخشد، بنابراین برای شناسایی نظریه برنامه درسی در آموزش و پرورش پیش از دبستان، لازم است ابعاد ذیل مدنظر قرار داده شود: آرمان های تربیتی، تلقی نسبت به فرایند یادگیری، نقش معلم، نقش یادگیرنده، تلقی نسبت به فرایند آموزشی و تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته ها. در این تحقیق به بررسی برخی از این عناصر خواهیم پرداخت.

پرسش های موردنظر

¹ Dea mas

² -Camilli,G & Others

³ Montessori

با توجه به آنچه در بالا آمد، تحقیق حاضر درصدد است تا مبانی فلسفی آموزش و پرورش پیش از دبستان و مؤلفه‌های اساسی در نظریه برنامه درسی از دیدگاه مونته سوری را تبیین و تحلیل کند و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. مبانی فلسفی در آموزش و پرورش پیش دبستانی از نظر مونته سوری در زمینه برنامه درسی چیست؟

۲. اهداف تعلیم و تربیت مبتنی بر دیدگاه مونته سوری در آموزش و پرورش پیش از دبستان کدامند؟

۳. مونته سوری برای پیش از دبستان چه روش/ روشهای آموزشی را پیشنهاد میکند؟

۴. نقش مربی و مربی در فرایند آموزش از نظر مونته سوری چیست؟

۵. محتوای آموزشی مطلوب در این دیدگاه چه ویژگیهایی دارد؟

۶. ارزشیابی در آموزش و پرورش مونته سوری چگونه صورت می‌گیرد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر پژوهشی کیفی^۴ است و در آن از روش توصیفی-تحلیلی^۵ استفاده شده است؛ زیرا از طرفی در پی توصیف و شناخت شرایط موجود (توصیف) و از طرف دیگر در پی تحلیل مفاهیم و کشف عناصر و مفاهیم اصلی آرای مونته سوری در زمینه آموزش و پرورش پیش از دبستان است (تحلیل). در تحلیل از روش تحلیل فلسفی استفاده شده که هدف از آن فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختار مفهومی است که بر حسب آنها تجربه را تفسیر میکنیم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساخت بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم. در استفاده شده که ناظر به فراهم آوردن تفسیرهای (تحلیل مفهوم) پژوهش تحلیل فلسفی حاضر از عینی است که برای مفاهیم کاربردی در مطالعات و طرح‌های برنامه درسی استفاده شده است تا آنها را با اصطلاحات رایج در زبان عادی توضیح دهد (فیشر^۶، 1385). قصد تحلیل مفهومی با رویکرد فلسفی، تشخیص درستی یا نادرستی مفهوم نیست بلکه بیشتر به توصیف آن می‌پردازد.

کودک از نظر مونته سوری (فلسفه مونته سوری)

ماریا مونته سوری در سال 1870 در شیاراوال^۷، از نواحی ایتالیا به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به تحصیل علم پزشکی پرداخت و در 26 سالگی به دریافت درجه دکترای پزشکی نایل آمد. (مفیدی، 1390)

او اولین زن ایتالیایی بود که مدرک پزشکی را دریافت کرد. پس از سال‌ها کسب تجربه در طبابت و تدریس در دانشگاه رم به فعالیت در زمینه تعلیم و تربیت مشتاق شد. از طریق سال‌ها مشاهده و انجام تحقیقات در زمینه توسعه بشری، تعلیم و تربیت، و

⁴ Qualitative

⁵ Descriptive-analytic

⁶ Fisher

⁷ Chiaravalle

انسان شناسی، ایده‌ها و مواردی را که نظریه آموزشی اش را گسترش و ارتقا داد. وی برای عملی کردن ایده اش شغل معتبر دانشگاهی را ترک کرد. (لیلارد⁸، 2013) سپس در سال 1897 مامور شد که برای آموزگاران شهر رم در مورد تربیت اطفال عقب مانده ذهنی سخنرانی کند. به این ترتیب، علاقه‌ی ویژه‌ای به آموزش و پرورش کودکان عقب مانده‌ی ذهنی پیدا کرد و در سن بیست و هشت سالگی مدیریت مدرسه دولتی برای کودکان عقب مانده‌ی ذهنی را به عهده گرفت. هم‌زمان با کار مدیریت و تدریس به یک سلسله بررسی‌های روان‌شناختی تجربی در مورد اطفال استثنایی دست زد و با پیگیری دو پزشک فرانسوی به نام‌های ادواردسگن و ایتارد⁹ توانست مطالعات خود را تکمیل کند. (مفیدی، 1390) او پروژه خود را در یکی از فقیرترین محلات ایتالیا در شهر یدرا شروع کرد. بیشتر کودکان این شهر (در خیابان‌ها رها می‌شدند زمانی که پدر و مادرها ساعت‌ها مشغول به کار بودند) در این محل دچار سوء تغذیه و بی‌سوادی بودند. مונته‌سوری با استفاده از امکانات شخصی و دولتی معروف‌ترین خانه کودک را ایجاد کرد که در آن آسیب‌پذیرترین قشر کودکان رم مورد مراقبت قرار می‌گرفتند و تعلیم و تربیت می‌یافتند.

در کمال تعجب همگان، اکثریت کودکان از نظر اجتماعی و علمی رشد کردند و به این ترتیب روش مונته‌سوری در سرتاسر اروپا به تصویب رسید و توسط گروه‌های اجتماعی با گرمی تایید و پذیرفته شد. از زمان باز شدن اولین خانه کودک در سال 1907 تئوری و اصول مונته‌سوری در طول زمان باقی ماند و سه مرتبه نامزد کسب جایزه نوبل شد. امروزه بیش از 4000 مدرسه مונته‌سوری در آمریکا و هزاران مدرسه دیگر در دیگر کشورهای دنیا وجود دارد. (لیلارد، 2013)

هدف اساسی مונته‌سوری، تحریک و رشد توانایی‌های فیزیکی و حسی از طریق فعالیت‌های کودکان و استفاده از وسایل طراحی شده و هدفمند بود. (مفیدی، 1390)

گفتنی است مונته‌سوری یادگیری از طریق بازی را به شیوه‌ای که بعدها در قرآن بیستم مطرح شد، مورد نظر نداشته است، بلکه وسایل یادگیری وی به منظور تشویق فردگرایی و نه تلاش‌های مشارکتی و گروه‌گرایی است. با وجود این، کار گروهی از طریق دادن مسئولیت‌های خانگی و مشترک به صورت فعالانه مورد تشویق قرار می‌گرفت. (کول، 1391)

مونته‌سوری بر تدریس به کمک حواس و خودآموزی¹⁰ تاکید داشت. برنامه آموزشی او چنان موفقیتی کسب کرد که کودکان عقب مانده‌ی ذهنی تحت تعلیم وی همراه کودکان عادی مدارس رم امتحان دادند که این امر برای مונته‌سوری موفقیت درخشانی بود. اگرچه عده‌ای کار او را در حد یک معجزه مورد تحسین و ستایش قرار می‌دادند، ولی او به تحقیق در باره‌ی دلایل این واقعیت پرداخت که چرا در امتحانات باید کودکان غیر عادی با کودکان عادی برابر و حتی پیشرو باشند؟ (کورتیس، 1380)

بنابراین چندین سال از عمر را صرف تغییر و تبدیل روش خود برای استفاده کودکان عادی کرد و با تشکیل آموزشگاه خانه کودک¹¹ برای کودکان 3-7 سال در سال 1907 قدم دیگری در راه ایجاد و توسعه‌ی کودکستان برداشت. در همین سال نیز کتابی در مورد تجربیات تربیتی خویش به نام روش تعلیم و تربیت منتشر ساخت و البته تا سال 1952، به هنگام مرگش، آثار و نوشته‌های متعددی به رشته تحریر در آورد که موارد زیر از آن جمله‌اند: خودیاری تربیتی در مهد کودک (1916)، مبانی تربیت علمی (1921)، کودک خردسال در خانواده (1926)، راز کودکی (1937)، تربیت و صلح (1949)، و بلاخره روحیه کودک خردسال (1952). کتاب روش تعلیم و تربیت در واقع سازمان تربیتی و در عین حال اصول و خطوط اساسی روش تربیتی وی را مشخص می‌سازد. (مفیدی، 1390)

⁸ Angeline.s.Lillard

⁹Seguin & Itard

¹⁰ Self-teaching

¹¹ Casa dei Bambini

مونته سوری از جمله افرادی است که در زمینه آموزش پیش از دبستان، روش نوینی را پیشنهاد کرده و در اغلب موارد نیز عملاً به اجرای نظریه خود پرداخته است. لذا دیدگاه وی نسبت به کودکان آن است که کودک انسان خلاق است و از درون شکوفا می‌گردد.

مونته سوری به عنوان اصلاح‌گر جوان آموزش و پرورش با نظرات فروبل در آموزش و پرورش موافق بود و نسبت به او احساس دین می‌کرد. توافق نظر مونته سوری و فروبل از یک سو به اعتقادات کاتولیکی مشترک آنها و از سوی دیگر به مشاهدات کلینیک خردسالان بر می‌گردد. تمرکز مونته سوری بر آماده کردن محیطی بود که آن را کلید نظریه خود درباره آموزش و پرورش از بدو تولد به بعد می‌دانست. به نظر او آموزش و پرورش کمکی برای زندگی است و تاثیر زیادی که آموزش و پرورش بر کودکان قرار می‌گیرد، چون کودک محیط خود را جذب می‌کند پس همه چیز را از آن می‌گیرد و به ذهن خود می‌برد. (عباسی، 1382)

همچنین دیدگاه مونته سوری مبتنی بر دیدگاه کل نگر دیویی است و معتقد است که کل شخصیت کودک را باید مورد توجه قرار داد اما تاکیدش روی رشد هیجانی و اجتماعی کودکان بیشتر بود. (یونسکو، 2010)

دیدگاه مونته سوری نسبت به کودکان آن است که کودک انسان خلاق است و از درون شکوفا می‌گردد. او می‌گوید ما مروراید را از درون صدف و طلا را از دل کوه ها و زغال سنگ را از درون زمین کشف می‌کنیم ولی از روح کودک که در درون وی نهفته است بی‌خبریم. مونته سوری باور داشت که رشد کودک به علت وجود یک نیروی حیاتی در درون اوست که در دوره‌هایی با حساسیت خاص پدید می‌آید و سپس ناپدید می‌شود. او در عین حال متوجه شد که کودکان دارای نیازهای رشدی ویژه، گروه بسیار متفاوتی هستند و نسبت به همسالان عادی خود نیازهای متفاوتی دارند. اما بر این عقیده بود که همه کودکان (صرف نظر از استثنایی یا عادی بودنشان) دارای نیازهای بسیاری هستند که پاسخ‌گویی به آنها در محیط آموزشی یا تلفیق کامل، امکان پذیر است. او متوجه شد هر کودکی با روش و سرعت خاص خود می‌آموزد و بر این اساس، روشی کل نگر را ابداع کرد که همه نیازهای کودک را به صورت یک کل در نظر می‌گرفت که کاملاً انفرادی و برای هر کودک منحصر به فرد بود. (حبیبی و احمدی قراچه، 1390)

اعتقاد او به آزادی و توجه به طبیعت کودک تاثیر عقاید روسو را بر کار او نشان می‌دهد و ابداع وسایل آموزشی به وسیله‌ی وی نشان دهنده‌ی نفوذ عقاید فروبل در کارهای آموزشی اوست. به هر حال، موفقیت و شهرت او موجب شد تا مدرسه اش در دیگر کشورها نیز شعبه‌هایی داشته باشد. (مفیدی، 1390)

روش تعلیم و تربیت مونته سوری بالغ بر 100 سال است که در سرتاسر جهان در حال استفاده است و به عنوان پایه و اساس آموزش و پژوهش دوران اولیه کودکی در عصر معاصر به رسمیت شناخته شد. با این وجود، اصول این روش همچنان مانند یک راز باقی ماند. روش مونته سوری چیست؟ واقعا در کلاس‌های این روش چه می‌گذرد؟

همانطور که اشاره شد فلسفه تربیتی مونته سوری پیش فرض‌هایی انسان‌شناختی و رشد‌گرایانه دارد. در این مقاله برای پاسخ به سؤال اول که مبانی فلسفی نظریه اوست، بر مبانی انسان‌شناختی او تأکید شده که به اجمال به قرار زیر است:

- 1- کودک انسان خلاق است که از درون شکوفا می‌گردد، ما مروراید را از درون صدف و طلا را از دل کوه ها و زغال سنگ را از درون زمین کشف می‌کنیم ولی از روح کودک که در درون وی نهفته است بی‌خبریم.
- 2- رشد کودک به علت وجود یک نیروی حیاتی در درون اوست که در دوره‌هایی با حساسیت خاص پدید می‌آید و سپس ناپدید می‌شود.

- 3- هر کودکی با روش و سرعت خاص خود می‌آموزد و روش کل نگر که همه‌ی نیازهای کودک را به صورت یک کل در نظر می‌گرفت پیشنهاد می‌شود.
- 4- در این رویکرد بر این اصل تاکید شده است که رشد و آموزش کودک جنبه‌های مختلف فیزیکی، شناختی، اجتماعی، هیجانی و اخلاقی را در بر می‌گیرد و فلسفه‌ی اصلی آن بر این حقیقت ساده استوار است که کودکان، خود یاد می‌گیرند.
- 5- محیط یادگیری را باید طوری فراهم کرد که کودکان را محدود نسازد و کودک بتواند خودش را نشان دهد.
- 6- در مراکز باید محیطی ایجاد شود که کودک مستقل از بزرگسالان رشد کند، آزادانه و آن طور که می‌خواهد عمل کند و با آهنگ و گام خویش پیش رود و " کمک کن تا این کار را خودم انجام دهم " پیغام همه‌ی کودکان است.
- 7- کودک موجودی قابل احترام است و آگاهی از روند رشد وی و مشاهده دقیق روند رشدی او مورد تاکید است.
- 8- بازی کار کودک است، از این رو فعالیت و مواد آموزشی موجود در این الگو " کار " نامیده می‌شوند.
- 9- فعالیت‌های کودک نه بر اساس خواست مربی، که باید با توجه به علایق و سلیقه‌ی کودک انجام شود.
- 10- کودک موجودی در حال تکوین است که باید از ناتمام بودن خود آگاه شود، بنابراین نیاز به آموزش مداوم دارد.
- 11- میزان تکرار مورد نیاز هر کودک از فردی به فرد دیگر متفاوت است، بنابراین انعطاف پذیری لازم در میزان تکرار مورد نیاز هر مهارت در هر روز برای همه‌ی کودکان یک اصل است.
- 12- فلسفه حاکم بر این الگو بر نظریه‌ی رشدگرایان استوار است و به کودکان در یک موقعیت آزاد اجازه می‌دهد تا شایستگی‌های رشدی خود را به طور انفرادی و بدون مداخله‌ی بزرگسالان آشکار سازد.

پرورش رشد استقلال و کسب مهارت‌های فردی و اجتماعی

مونه سوری بر پرورش رشد استقلال و کسب مهارت‌های فردی و اجتماعی کودکان به عنوان هدف اصلی تعلیم و تربیت تاکید می‌کند. و آموزش و پرورش را کمکی برای کشف نیروهای درونی کودک می‌داند تا او در مدرسه برداشتی مثبت نسبت به کنجکاوی، عادت به تمرکز، عادت به خود جوشی، توانایی در تصمیم‌گیری، انضباط شخصی و احساس مسئولیت نسبت به افراد داشته باشد. (رامپوش^{۱۲}، 1999)

هدف مونه سوری حمایت از رشد و تکامل مستقل کودک در زمینه‌های حسی-حرکتی، عقلانی، زبانی و اخلاقی است و آموزش‌ها مانند آموزش برای رشد و هماهنگی چشم و دست یا پرورش تمرکز را در دیدگاه خود بیشتر رصد می‌کرد. (فولر^{۱۳} و همکاران، 2007)

شیوه تعلیم و تربیت مونه سوری باعث ارتقاء استقلال و اعتماد به نفس در کودکان می‌شود. در این شیوه مسئولان و مربیان می‌کوشند تا والدین را در تعلیم و تربیت کودکانشان دخیل نمایند.

هدف مونه سوری حمایت از رشد و تکامل مستقل کودک در زمینه‌های حسی-حرکتی، عقلانی، زبانی و اخلاقی است و آموزش‌ها مانند آموزش برای رشد و هماهنگی چشم و دست یا پرورش تمرکز را در دیدگاه خود بیشتر رصد می‌کرد.

¹² Rumbush Nancy

¹³ Fuller, b et al

مونه سوری آموزش و پرورش را کمکی برای کشف نیروهای درونی کودک می داند تا او در مدرسه برداشتی مثبت نسبت به کنجکاوای عادت به تمرکز، عادت به خود جوشی، توانایی در تصمیم گیری، انضباط شخصی و احساس مسئولیت نسبت به افراد داشته باشد. (فولر^{۱۴} و همکاران، 2007).

هدف اساسی مونه سوری، تحریک و رشد توانایی های فیزیکی و حسی از طریق فعالیت های کودکان و استفاده از وسایل طراحی شده و هدفمند بود. (مفیدی، 1390)

هدف تربیت مونه سوری برای کودکان خردسال کمک به رشد خودانگیخته ی شخصیت در ابعاد عقلی، روحی و جسمی آن هاست و کار مربی آن است که روند رشد طبیعی کودک را بفهمد و شرایطی فراهم آورد که کودک از طریق آن بتواند باسلطه ی تدریجی خود بر محیط سرعت روند رشد خویش را افزایش دهد. (عباسی، 1382)

مونه سوری از نظام آموزشی حمایت می کرد که بتواند برای کودک محیطی فراهم آورد تا با سرعت خود رشد کند، لذا معتقد بود که هر گونه کوشش در آموزش و پرورش کودکان باید بر اساس تمایل و خواسته ی طبیعی کودک برای یادگیری باشد. (کول، 1391)

به طور کلی هدف مونه سوری جهت حمایت از رشد و تکامل مستقل کودک در زمینه های حسی-حرکتی، عقلانی، زبانی و اخلاقی است و آموزش ها مانند آموزش برای رشد و هماهنگی چشم و دست یا پرورش تمرکز با هدف تعریف شده ای انجام می شود. (لیلارد^{۱۵}، 2013)

با توجه به نگاه مونه سوری به استقلال شخصی و رشد همه جانبه کودک، می توان اهداف اصلی آموزش کودکان را از نگاه او در جملات زیر خلاصه کرد که پاسخ سؤال دوم تحقیق حاضر می باشد:

- 1- آشنایی و شناخت علایق شخصی و کشف نیروهای درونی
- 2- پرورش رشدهیجانی و اجتماعی
- 3- پرورش و تقویت حواس
- 4- کسب مهارت تسلط بر محیط خود
- 5- پرورش و کسب انضباط شخصی
- 6- پرورش عادت به خودجوشی و تمرکز
- 7- رشد در زمینه های جسمی، حرکتی، عقلانی، زبانی و اخلاقی
- 8- کسب توانایی تصمیم گیری
- 9- پرورش احساس مسئولیت به افراد دیگر

¹⁴ Fuller, b et al

¹⁵ Angeline.s.Lillard

10- پرورش و رشد استعدادهای فکری و کشف نیروهای درونی کودک.

11- به طور کلی رشد کودک در زمینه های:

- جسمی- حرکتی.

- عقلانی.

- زبانی.

- عاطفی.

- اخلاقی.

آموزش اکتشافی و یا " خودآموزی "

آموزش به طور اتوماتیک یا " خودآموزی "، اصل عملی در نظام آموزشی مونته سوری بود. در این نظام فعالیت ها و مواد آموزشی طوری سازمان داده و طرح ریزی می شد که وقتی مربی به کناری می رفت و تنها بر فعالیت ها نظارت داشت، این خود کودکان بودند که به خود آموزش می دادند. این روش خود آموزی با وسایل کمک آموزشی انجام می شد. وسایل کمک آموزشی شامل بیست و شش قطعه ی متفاوت بود که امکانات لازم برای تربیت همه ی حواس به جز چشایی و بویایی را فراهم می کرد. (حبیبی و احمدی قراچه، 1390)

کلاس درس به روش مونته سوری به این شکل است که به کودکان اجازه می دهند تمام استعداد خود را طی فعالیت هایشان بروز دهند. بر اساس دیدگاه مونته سوری، کودک در هنگام مشاهده، تحریک و اکتشاف، مسائل را فرا می گیرد و نباید همانند کودکان بزرگتر، مورد تعلیم قرار گیرد. کلید اصلی آموزش مونته سوری، آماده کردن محیط است که فضای درونی و بیرونی، فضا سازی و منابع را شامل می گردد. (کورتیس، 1380)

بنابراین خودفعالی کودک به یادگیری بهتر و دایمی تر منجر می شود؛ و یک بزرگسال و یا معلم باید خود را در ارتباط با محیط کودک قرار دهد. وظیفه ی او آماده کردن محیط یادگیری به روشی سازمان یافته، منظم و مجهز به مواد و وسایل مناسب است و تنها کار او هدایت و راهنمایی کودک در چنین محیطی است. مواد و وسایل آموزشی نیز باید ترجیحا خود اصلاحی باشند که کودک بتواند بازخورد فوری و عمکرد خود را به دست آورد و به کوشش های خود در یادگیری، ادامه دهد. (کول، 1391)

گرچه مونته سوری برای بازی، اهمیت زیادی قائل بود و با این انتقاد که بازی کار کودک است آن را جزء روش آموزشی خود قرار داده بود ولی بازی های خیال پردازانه چندان مورد نظر او نبود زیرا بر این باور بود که کودک را از واقعیت ها دور می کند.

گفتنی است مونته سوری یادگیری از طریق بازی را به شیوه ای که بعدها در قرن بیستم مطرح شد، مورد نظر نداشته است، بلکه وسایل یادگیری وی به منظور تشویق فردگرایی و نه تلاش های مشارکتی و گروه گرایی است. با وجود این، کار گروهی از طریق دادن مسئولیت های خانگی و مشترک به صورت فعالانه مورد تشویق قرار می گرفت.

مونته سوری بر تدریس به کمک حواس و خودآموزی^{۱۶} تاکید داشت. برنامه ی آموزشی اوچنان موفقیتی کسب کرد که کودکان عقب مانده ی ذهنی تحت تعلیم وی همراه کودکان عادی مدارس رم امتحان دادند که این امر برای مونته سوری موفقیت درخشانی بود. (مفیدی، ۱۳۹۰)

در کلاس مونته سوری، فرصت های زیادی برای یادگیری مهارت های زندگی روزمره به کودکان داده می شود، این فعالیت های زندگی روزمره به چهار دسته فعالیت های مقدماتی، مراقبت از خود، مراقبت از محیط و احترام و تربیت اجتماعی تقسیم می شود.

الگوی مونته سوری دارای روشی انفرادی، ساده، روشن و عینی است که مربی در هنگام فعالیت تا حد ممکن دخالت خود را کم می کند و استفاده از الگو سازی، نمایش دادن و سخنرانی کردن کمتر انجام می شود.

به طور کلی می توان گفت وسائل مونته سوری به گونه ای با دقت رده بندی شده اند که هر فعالیت، روند منطقی و منظمی را دنبال می کند و این رده بندی امکان سازمان دهی افکار را به کودک می دهد و به آموزش مهارت حل مسائل به روشی واضح و روشن، از طریق حواس می پردازد. (لی، ۲۰۰۶؛ انگرن و ترکان، ۲۰۰۹؛ مفیدی، ۱۳۹۰؛ و کول، ۱۳۹۱)

به هر حال، هدف از استفاده از وسایل آموزشی در روش مونته سوری ایجاد استقلال فکری و شخصی در کودکان است و از این رو وسایل از ویژگی هایی چون سادگی، جذابیت، خودآموزی و جامعیت برخوردارند.

با توجه به آنچه در بالا گفته شد و در پاسخ به سؤال سوم تحقیق، اصول کلی زیر بر روشهای پیشنهادی مونته سوری حاکم است که به اجمال عبارت است از:

- 1- خودآموزی همراه با آزادی عمل به صورت انفرادی و بازی
- 2- روش خودآموزی با وسائل کمک آموزشی
- 3- شیوه ی مونته سوری بر اصل مشاهده ی ساده مبتنی است،
- 4- آزادی کودک برای تکرار یک فعالیت روی یک موضوع.
- 5- تقسیم فعالیت های زندگی روزمره در کلاس به چهار دسته فعالیت های مقدماتی، مراقبت از خود، مراقبت از محیط و احترام و تربیت اجتماعی
- 6- روشی انفرادی، ساده، روشن و عینی که تا حد ممکن دخالت مربی کم در هنگام فعالیت و استفاده کمتر از الگو سازی، نمایش دادن و سخنرانی کردن
- 7- روش حل مسائل به روشی واضح و روشن، از طریق حواس
- 8- روش مشاهده و اکتشاف.

¹⁶ self-teaching

مربی در نقش "کارگردان" و مربی در نقش "جستجوگر فعال"

مربی در این رویکرد، باید خود را در ارتباط با محیط یادگیری کودک قرار دهد و وظیفه‌ی او آماده کردن محیط یادگیری به روشی منظم و سازمان یافته است و تنها کار او هدایت و راهنمایی در چنین محیطی است. (کول، 1391)

مربی، که مونته سوری او را کارگردان می نامد، به طور مدام مشغول هدایت و تصحیح فعالیت های کودک نیست؛ بلکه فضا به گونه ای است که کودک، خود به خود، فعالیت های هدایت شده ای اجرا می کند. وجه تمایز آموزش به روش مونته سوری با دیگر مدل های آموزشی در این است که در این شیوه، کودک تا زمانی که طرز استفاده از یک وسیله را از مربی (کارگردان) نیاموخته است، مجاز به استفاده از آن نیست. (کورتیس، 1380)

نقش مربی در کلاس مونته سوری از سایر رویکردها و الگوها متفاوت است مثلاً فعالیت مستقل کودک حدود 80 درصد کار را شکل می دهد در حالی که کار معلم 20 درصد باقی مانده را شامل می شود. شایان ذکر است که در آموزش و پرورش سنتی این درصدها معکوس است. (حبیبی و احمدی قراچه، 1390)

اگر کودکی برای تجربه ای آمادگی ندارد، مربی باید صبر کند تا خود کودک به ساماندهی زندگی درونی خود بپردازد او باید محیطی را فراهم کند که کودک با حداقل مداخله بزرگسالان به صورت خودکار به فعالیت بپردازد و فراهم کردن چنین محیطی برای کودکان هدف معلمان مونته سوری است. (کول، 1391)

نظام آموزشی تحت تاثیر باورهای مونته سوری، برای کودک دو احساس خلاقانه قایل است: یک فکر جاذب و مراحل حساس، که به کودک کمک می کند خود را با محیط منطبق سازد. مونته سوری بر یک محیط سازمان یافته تاکید داشت؛ اما این بدان معنا نبود که فرد اجازه دارد هر کاری می خواهد، انجام دهد. او عقیده داشت که ما نمی توانیم خود را آزاد مطلق فرض کنیم؛ زیرا در این صورت، باید منکر زندگی اجتماعی شویم.

وجه دیگر این روند شامل "طبیعی ساختن"¹⁷ کودکان است. مونته سوری خصوصیات و معیارهای یک کودک طبیعی را، با توجه به معیارهای زیر تنظیم کرد: توانایی انجام دادن کار بر طبق خو و منش خود او؛ آزادی مشاهده؛ امکان انتخاب فعالیت شخصی و به کارگیری ضرب آهنگ خویش برای انجام دادن امور. طبق نظر مونته سوری، هنگامی که کودک کار خویش را تکمیل می کند، احساس موفقیت و رضایت به او دست می دهد و اهمیت قدرت تمرکز را در می یابد. "طبیعی ساختن"، بیش از هر زمان، بین سه تا شش سالگی عملی می شود. (کورتیس، 1380)

در فلسفه مونته سوری هر کودکی یکتا و بی همتاست بنابراین رشد هر فرد با دیگری متفاوت است، لذا هر کودکی اجازه دارد که فعالیت های مورد دلخواه خود را انتخاب کند.

در مدارس مونته سوری میز کمک و همیاری جایگزین میز معلم شده است لذا روش وی روش فعالیت آزاد در محیط مهیاء شده نام گرفت. (آل¹⁸ و همکاران، 2012)

بنابراین نظر مونته سوری درباره نقش مربی و مربی (کودک) در آموزش و پرورش یعنی پاسخ به سؤال چهارم تحقیق به طور خلاصه چنین است:

¹⁷ -normalization

¹⁸ Selda Ala., Reyhan Midilli Sari, Nimet Candas Kahya

- 1- مربی (کارگردان) باید بداند که هر گونه کوشش در آموزش و پرورش کودکان باید بر اساس تمایل و خواسته طبیعی کودک برای یادگیری باشد.
- 2- مربی (کارگردان) به نحوی برنامه ها را طراحی و هدایت کند که منجر به خودفعالی^{۱۹} کودک شوند چراکه خودفعالی به یادگیری بهتر و دایمی تر منجر می شود.
- 3- مربی باید خود را در نقش یک کارگردان و هادی ببیند.
- 4- مربیان (کارگردانان) باید خود را آماده سازند و در باره مسائل متربیان و جامعه بیاموزند و اطلاعات کافی داشته باشند.
- 5- مربی باید برنامه ها به گونه ای طراحی و اجرا نمایند که متربیان بتوانند نحوه یادگیری را بیاموزند و دلایل و چرایی محتوا و چیزها را درک کنند.
- 6- مربی (کارگردان) باید محیط را آماده سازد و یک فضای متحرک و پویا مهیا کند تا شرایط یادگیری خودجوش را در کودک فراهم آورد.
- 7- مربی می بایست در نقش یک رابط بین کودک و وسایل و تجهیزات عمل کند. او این کار را از طریق اجرای نمایش و زدن مثال انجام می دهد.
- 8- مربی باید هر یک از کودکان را مدنظر داشته باشد و علایق و روش های کاری آنان را ثبت کند. این مشاهدات به این منظور صورت می گیرد که برای برنامه ی آموزشی آینده کودک تصمیم گیری شود.
- 9- مربی (کودک)، دانش در باره محیط را اساسا از طریق حواس خود کسب می کند. بنابراین، تربیت هر یک از حواس پنجگانه برای کودکان ضروری است.
- 10- تمرین و کسب تجربه برای متربیان در زندگی عملی باید بخشی ضروری از برنامه های دوره پیش از دبستان باشد.

موضوعات مولد و محتوای مهارتی در آموزش پیش از دبستان

به نظر می رسد که مسئله محتوای آموزشی برای مربی در آموزش های سنتی موضوع ساده ای است، زیرا برنامه ریزی همان چیزی است که متربیان توضیح می دهند؛ این کاری است که به مربی مربوط است و بر مبنای آنچه برای متربیان لازم تشخیص می دهد، محتوا را برنامه ریزی می کند. اما در آموزش طرح مسئله، مهارتی و گفت و شنودی، محتوای برنامه آموزشی نه می تواند هدیه باشد و نه تحمیلی؛ بلکه ارائه سازمان یافته و بسط یافته چیزهایی است که متربیان می خواهند درباره آنها بیشتر بدانند.

"روش مونته سوری بر اساس نظریات او در باره ی رشد کودک شکل گرفته است. او تصور می کرد که کودکی مرحله ای بسیار حساس از زندگی انسان است. در این مرحله کودکان با سهولت بیشتری قادر به یادگیری مهارت ها و رفتارها نسبت به مراحل دیگر

زندگی اند. وی بر اساس این اندیشه محیطی را پدید آورد که با استفاده از فعالیت‌ها و وسایل ویژه، نیازهای کودکان را در سه دوره اساسی و اولیه رشد برآورد می‌نمود^{۲۰} (مکزیم، ۱۹۸۰، به نقل از مفیدی، ۱۳۹۰)

موضوعات موردنظر در روش مهارتی و گفت و شنودی مسائلی است که از زندگی دانش‌آموزان اخذ می‌شود. این موضوعات طبق معیارهای زیر تعریف و طبقه‌بندی می‌شوند:

1) دوره آموزش حرکتی^{۲۱} یا تجارب عملی زندگی

این دوره از نظر مونتسوری دوره‌ای است که باعث به وجود آمدن تعادل بدنی، راه رفتن و همچنین ایجاد هماهنگی لازم بین دیگر حرکات بدنی کودک می‌شود و به این جهت فعالیتی را برای جهت دادن این گونه تجارب تدارک دیده است.

مونتسوری لباس پوشیدن و درآوردن (مراقبت‌های شخصی) را به عنوان اولین گام در مراقبت از کودک می‌دانست. ابتدا به کودکان یاد داده می‌شد که چگونه زیپ و دکمه لباس خود را ببندد و بند کفش‌های خود را گره بزنند همچنین آنان تشویق می‌شدند تا کفش‌های خود را واکس بزنند و براق نمایند دست‌های خود را بشویند، ناخن‌های خود را کوتاه و تمیز کنند، موه‌های خود را شانه کرده و دندانهایشان را مسواک بزنند و کارهای مشابه به امور مذکور را شخصا انجام دهند. (مفیدی، ۱۳۹۰).

او تربیت ماهیچه‌ها و عضلات بدن را دومین مرحله در این دوره می‌دانست. وی حرکات طبیعی کودکان را از طریق تمرینات منظمی مانند راه رفتن، رژه رفتن، دویدن، زانو زدن و خم شدن، بلند شدن، نفس کشیدن (دم و بازدم) پریدن، تاب خوردن، حرکات موزون و دیگر حرکات ژیمناستیک ساده، کنترل کرده و سازمان می‌داد. او بر این باور بود که تربیت ماهیچه نه فقط به دلیل فواید و سودمندی‌های فیزیولوژیکی که به علت تاثیر آن بر یادگیری حائز اهمیت است. برای مثال او فعالیت‌هایی چون دم و بازدم را از این جهت مهم می‌دانست که عادات سخن گفتن صحیح را در کودک شکل می‌داد و ورزش انگشتان را از این جهت لازم می‌دانست که انگشتان را برای بستن دکمه لباس، پوشیدن کفش و دست‌کاری اشیاء و بعدها برای نوشتن آماده می‌کرد. بر طبق نظریات مونتسوری بدون چنین هماهنگی ویژه حرکتی کسب مهارت‌های هوشی بالاتر در مراحل بعدی با مشکلاتی روبه‌روست و از کارایی چندانی برخوردار نیست. (حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰)

2) دوره آموزش حسی^{۲۲} یا تربیت حواس

فعالیت‌های حسی فعالیت‌هایی هستند که کودک را با محیط خارج مربوط می‌سازد و باعث می‌شود که طفل به وسیله تمرینات مداوم مبتنی بر مشاهده مقایسه و تشخیص، قوای عقلانی و ذهنی خود را پرورش دهد. شهرت مونتسوری در طراحی وسایل و ابزارهای آموزشی جهت تقویت حواس می‌باشد. وی با این زیر بنای فکری که حرکت، دست‌کاری و تقویت حواس مختلف،

²⁰ -Maxim George W

²¹ Motor education

²² -Sensory education

استعداد های فکری را رشد می دهد، وسائلی را ابداع کرد که هم کودک می توانست با آنها مستقلا به فعالیت و بازی بپردازد(اصل خودگردانی ۲۳) و هم می توانست به خطاهای خود پی برده و خود را اصلاح نماید. (اصل اصلاح خود ۲۴).

آموزش حسی به منظور کمک به کودک در پرورش قوه تشخیص، دیدن، یا لمس کردن، تشخیص صدا با استفاده از وسایل و ابزاری که خود جنبه تعلیمی داشتند و براساس خودیاری آموزشی مرتب شده بودند، صورت می گرفت. کودکان، زمانی آمادگی لازم برای گذشتن از مرحله تجارب عملی زندگی (مرحله حرکتی) و رسیدن به مرحله آموزشی حسی را کسب می کردند که برای کار با این وسایل اشتیاق لازم را از خود نشان می دادند.(مفیدی، 1390)

3) دوره آموزش مهارت های تحصیلی^{۲۵} و مدرسه ای یا آموزش خواندن و نوشتن.

آخرین مرحله از روش مونته سوری شامل یادگیری مهارت های آموزشی و تحصیلی است. مونته سوری عقیده داشت، هنگامی که کودکان تجارب اولیه مناسبی را با استفاده از وسایل حسی کسب کنند، به نحو بهتری آماده گذر از مرحله حسی به مرحله درونی کردن اندیشه ها^{۲۶} می شوند.

درس سکوت: مونته سوری می گوید برای این که کودک بهتر و سریع تر به درک صدا، تمرین هایی به نام " رعایت سکوت مطلق " لازم است. کیفیت این تمرین به گونه ای است که کودک باید از انجام تمام عواملی که باعث به وجود آوردن صدا می شود، اجتناب ورزد.اهداف درس سکوت از دیدگاه وی عبارتند از:

- حساسیت بیشتر برای درک احساسات و عواطف و در نتیجه برقراری ثبات عاطفی و تعادل روانی در کودک.
- بالا بردن قابلیت کودک در مقابل درک صداهای مختلف و رشد قوای شنوایی و پی بردن به ارزش صداهای آهسته و آرام.
- بیدار کردن حس اجتماعی و همکاری بین کودکان.(عباسی، 1382)

لذا فعالیت های روزانه در کلاس مونته سوری براساس نیازها، نقاط قوت و مراحل رشدی هر کودک است. می توان نظریه یادگیری مونته سوری را بر سه اصل خلاصه کرد؛ اول آنکه رشد انسان میسر طولی و ثابتی ندارد، بلکه در طی چند مرحله انجام می شود. دوم اینکه رشد کامل یک انسان در ارتباط با محیط ممکن و میسر می شود و سوم این که این تعامل بین محیط و کودک و نیز زمان مبتنی بر تمایلات و علائق فردی و اختیاری باشد، در مراحل و نوع رشد تاثیر مستقیمی دارد. (مهدوی، 1384).

با توجه به نظرات مونته سوری، به منظور پاسخ به سؤال پنجم میتوان مفاهیم، اصول و مهارت های زیر را برای انتخاب محتوای آموزشی در دوره پیش از دبستان در نظر گرفت:

²³ Self Administration

²⁴ Self Convicting

²⁵ Academic education

²⁶ From sensation to internalization of ideas

- 1-زندگی عملی: سازمان دهی، نظم و ترتیب شناختی از طریق مراقبت از خود و از محیط زیست و هماهنگی حرکات جسمانی که موجبات رشد را فراهم می کند.
 - 2-حوزه مربوط به موضوعات حسی: کودک را برای نظم بخشیدن، طبقه بندی کردن، توصیف در رابطه با طول، عرض، درجه حرارت، توده مواد، رنگ و غیره توانمند می کند .
 - 3-فعالیت های فرهنگی : کودک را در معرض حوزه های جغرافیا، تاریخ ، علوم ، موسیقی و هنر قرار می دهد که بخشی از برنامه فعالیت های فرهنگی وحدت یافته می باشد.
 - 4-ریاضیات: موجبات استفاده از مواد و دستکاری کردن را فراهم می کند تا کودک را در درونی کردن مفاهیم ، اعداد ، نمادها و حفظ حقایق اساسی توانمند کنند .
 - 5-هنرهای زبانی: شامل رشد زبان گفتاری ، توضیح قواعد نوشتاری ، خواندن و ادبیات کودکان است . مهارت های اساسی در خواندن و نوشتن به کمک کاغذ های سمباده ای الفبای بریده شده و نمایش آنها به کودکان کسب می شود این روش اجازه می دهد که کودکان ، صدا ها ، علائم و حروف را به هم ارتباط و افکارشان را از طریق نوشتن توضیح دهند. (عباسی،1382)
- سازماندهی محتوا در محیط آموزشی مونته سوری نیز بر این اساس است که مربی ، مواد آموزشی مورد نیاز کودک را در اختیارش قرار می دهد تا بتواند کار بزرگ خود را به انجام رساند. این مواد آموزشی به صورت انفرادی یا در گروه های کوچک به کودکان داده می شود زمانی که درسی ارائه می گردد ، انتخاب فعالیت ها با کودک است و کودک بر حسب نیاز خود می تواند بارها آن را تکرار کند .
- مونته سوری معتقد بود که معرفی این نظام تازه به آموزش و پرورش در واقع کوششی برای پیوند خانه و مدرسه است. او فعالیت مدرسه اش را براساس فعالیت های خانه طرح ریزی می کرد (انجمن مونته سوری آمریکا،2009)
- به طور کلی پیش دبستانی مونته سوری به کلیه ی فعالیت های تحصیلی ،جسمانی ، روانی و اجتماعی وحدت می بخشد . بنابراین موضوعات درسی به شکلی وحدت یافته بر مبنای روانشناسی تربیتی سازمان می یابد.

خودارزیابی و خود اصلاحی در روش خودآموزی

در آموزش و پرورش رشدگرای مونته سوری که آموزش و پرورش ساده، روشن و عینی است، خود-ارزیابی نقشی محوری ایفا می کند. در اینجا کوشش می شود که از ارزشیابی های تحت کنترل مربی فاصله گرفته شود و از متریبان انتظار می رود که با هدایت مربی در حین یادگیری به ارزشیابی پیشرفت به سمت کسب مهارت های یادگیری بپردازند.

در این رویکرد ارزشیابی برای کمک به فرد است تا وضعیت خود را با ملاک های خود ومربی اش مقایسه کند .مفهوم امتحان و نمره نیز در این کلاس معنا ندارد .یادگیری تا زمانی ادامه می یابد که متریبی صلاحیت و هدفی را که مد نظر بوده، کسب کند و از فعالیت خود احساس رضایت کند.

از آنجا که شیوه‌ی مونته‌سوری بر اصل مشاهده‌ی ساده مبتنی است، بهترین یادگیری در کودکان از طریق تجربیات مستقیم و تحقیق و کشف انجام می‌گیرد. از طرف دیگر، آزادی کودک برای تکرار یک فعالیت نیز سبب ایجاد نظم و تمرکز روی یک موضوع خاص می‌شود که مونته‌سوری آن را تنها اصل صحیح برای آموزش می‌داند. (آرسه ۲۷، ۲۰۰۰)

در این روش، لوازم آموزشی ذاتا از نوعی هستند که کاربرد اشتباه آن‌ها به خوبی آشکار و مشخص می‌شود و کودکان متوجه اشتباه خود شده و بدون یاری گرفتن از مربی، اشتباهات خود را تصحیح می‌کنند. اشتباهاتی که خود فرد آن‌ها را تصحیح می‌کند، بسیار کمتر از اشتباهاتی که مربی آن‌ها را تصحیح می‌کند، تکرار می‌شوند و به این ترتیب یادگیری را کاملا درونی می‌کنند.

اگر کودک در زمان یادگیری، در توالی گام‌های یادگیری، با شکست مواجه می‌شود، معلم اشتباه او را اصلاح نمی‌کند، بلکه در عوض درس را متوقف می‌کند. (مفیدی، ۱۳۹۰)

باید اذعان کرد که روش مونته‌سوری بر اساس احترام به فرد بنا شده است. حتی کوچک‌ترین کودک نیز با احترام یاد می‌گیرد که چه چیزی در حد و اندازه‌ی اوست و چه چیز نامناسب است. (حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰)

مونته‌سوری عقیده داشت که کودکان بیشتر مسائل را از فعالیت‌های خود به خودی فرا می‌گیرند و به این دلیل، برای آماده بودن محیط آموزشی اهمیت زیادی قایل بود. وی اظهار می‌داشت که کودکان زیر شش سال، توانایی کودکان بزرگ‌تر را برای استفاده و درک کلام ندارند و بزرگ‌ترها نباید در محاوره آن‌گونه از کلام استفاده کنند که کودکان خردسال متوجه آن نشوند. (کورتیس، ۱۳۸۰)

مونته‌سوری با روش‌های پیشین که کودک را به سمت انجام فعالیت‌های متوالی از پیش تعیین شده سوق داد و در پایان از او آزمایش به عمل می‌آورد، مخالف بود. همانگونه که گفته شد او بر احترام گذاشتن به هر کودک به عنوان یک فرد، کسب آگاهی کامل از روند رشد کودک و مشاهده حساس و دقیق او تأکید داشت و بر این روایت بود که رعایت موارد فوق مربیان را قادر می‌سازد تا کار کودک را دنبال کند و از موقعیت‌های طبیعی روزمره که برای کسب تجربه در اختیار کودکان قرار می‌گیرد، به منظور ارزشیابی آنان استفاده نمایند.

در این الگو آزمون‌های رسمی ارزشیابی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و مربیان با توجه به بازی کودکان که در واقع از نظر مونته‌سوری کار آنان می‌باشد، فعالیت‌های کودکان را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. و از راه مشاهده و تهیه‌ی چک لیست (فهرست واریسی) با تمرکز بر فرایند یادگیری و مراحل رشد به تشخیص مسائل کودکان و مهارت‌های کسب شده و ارزشیابی میزان پیشرفت و موفقیت آنها مبادرت می‌ورزند. (حبیبی و احمدی قراچه، ۱۳۹۰)

شرایط ذیل از جمله شرایط لازم برای ورود به "خانه کودکان" یا همان مدرسه مونته‌سوری است:

- همه‌ی کودکان ۳-۷ سال در این مدرسه پذیرفته می‌شوند.

- والدینی که مایل اند از مزایای این مدرسه استفاده کنند، هیچ مبلغی نمی‌پردازند و فقط باید مقررات زیر را بپذیرند:

1) کودکانشان را در زمان مقرر و با پوشاک و بدن تمیز به مدرسه بفرستند.

2) ارزش و احترام اداره کننده و همه ی کسانی را که به نوعی در رابطه با مدرسه همکاری دارند، داشته باشند و با اداره کننده نیز در مورد آموزش کودکان خود تماس برقرار کنند.
- مادران باید دست کم یک بار در هفته با اداره کننده صحبت کنند و به او اطلاعاتی در مورد زندگی خانوادگی کودکان بدهند و در مقابل، نصایح آموزشی را از معلم دریافت کنند.
کودکانی از مدرسه اخراج می شوند که:
الف) با لباس کثیف و بدن آلوده به مدرسه بیایند؛
ب) اصلاح ناپذیر باشند؛
ج) والدینشان به افراد و کارکنان مدرسه احترام نگذارند یا با اعمال نامناسب خود کارهای آموزشی مؤسسه را تخریب کنند.
در این مدرسه علاوه بر نظارت بر رشد فیزیکی، رشد آموزشی و اجتماعی کودکان نیز مورد نظر است. (مفیدی ، 1390)

بنابراین در این رویکرد ، مونته سوری در بحث ارزشیابی بر مباحث زیر تأکید دارد که پاسخ سؤال ششم تحقیق حاضر است:

1. از خود-ارزیابی برای ارزشیابی دانشآموزان استفاده میشود.
2. استفاده از موقعیت های طبیعی روزمره برای ارزشیابی کودکان.
3. با استفاده از مشاهده ی کودکان در هنگام بازی که به نظر مونته سوری همان کار کودک است، ارزشیابی صورت می گیرد.
4. در این رویکرد ارزشیابی تشخیصی برای آمادگی کودک انجام می شود به همین جهت به مربیان اجازه داده می شود از طریق مشاهده و تهیه ی چک لیست با تمرکز بر فرآیند یادگیری و مراحل رشد، به تشخیص مسائل کودکان و مهارت های کسب شده مبادرت ورزند.
5. در این الگو آزمون های رسمی ارزشیابی مورد استفاده قرار نمی گیرد.
6. تأکید بر ارزشیابی فرآیند محور بر اساس رشد فیزیکی، آموزشی و اجتماعی کودکان.

نقد و بررسی

الگوی مونته سوری که در سال های اولیه ی قرن بیستم برای کودکان معلول و عقب مانده ی ذهنی و جسمی در رم فعالیت می کرد، بیش از بریتانیا، در کشور آمریکا رواج یافته است.

تنوع اندیشه های وی، هم نقطه قوت و هم نقطه ضعف اوست؛ قوت بدان سبب که به شیوه های خلاقانه دیدگاه های متعددی از اندیشه های معاصر را به یک نظریه پویا و چالش انگیز تبدیل می کند؛ و ضعف از آن روی که همین کار موجب می شود تا جنبه ای خاص از نوشته های ایشان به بهای نادیده گرفته شدن سایر جوانب آن، بسیار برجسته تر به نظر برسد. در نگاه اول چنین به نظر می رسد که فلسفه تربیتی مونته سوری متعلق به جهان کودکان معلول و عقب مانده ی ذهنی است ، چرا که او می خواهد انسان ها را با فلسفه خودش قادر به خلق مجدد جهان کند . دگرگون کردن تقریباً همه چیز موجب بروز اضطراب و واکنش ستیزه جویانه

در کسانی می شود که از ثبات وضع موجود سود می برند. وی درصدد است تا نظام آموزشی به سوی علایق و نیازهای کسانی هدایت شود که پیش از این جایگاهی تعیین کننده در آموزش و پرورش نداشته اند.

قسمتی از رویکرد مونته سوری، که بسیار مورد انتقاد قرار گرفت، مربوط به دیدگاه او در مورد بازی و به خصوص بازی های خیالی پردازانه بود. مونته سوری عقیده داشت که "بازی کار کودک است". اما تنها شکل مورد قبول او اشکالی بود که برای فعل و انفعالات بزرگسالی جنبه ی تدارکاتی داشت. به همین سبب، بازی های خیالی پردازانه چندان مورد قبول نبود و ارزش کمی داشت؛ زیرا کودک را از واقعیت ها دور می کرد. جالب است که سال ها بعد، کورین هات نیز این نظریه را اقتباس کرد و گفت که طی بازی های مسخره و بی هدف، فراگیری کودک بسیار ناچیز است یا اصلا وجود ندارد. در حالی که در بازی های خلاقانه و اکتشافی، تطابق و آموزش تحقق می یابد. مونته سوری و پیروان او به شدت مخالف بازی های خیالی یا افسانه های جادویی بودند؛ زیرا در داستان های جادویی و افسانه ها، غول ها و دیوها یا داستان هایی که جانوران در آن ها سخن می گویند، کودکان با تصویر کاذبی از حقایق و واقعیات روبه رو می شوند.

مونته سوری عقیده داشت که در صورت تدارک محیط و وسایل مناسب، حتی در شرایطی که مربیان کارآمد در دسترس نباشند، امر تعلیم و تربیت کودکان مختل نخواهد شد، در آن صورت، مهارت مربی از شیوه ی آموزش اهمیت کمتری خواهد داشت. و عده ای از محققان علوم تربیتی جدید، با این مساله (با اصل نیاز به فضای آماده آموزشی) مخالف اند. (کورتیس، 1380) اما غیر پویا بودن نظریه ی مونته سوری، به ویژه با آن توالی مراحل تکاملی، مورد انتقاد زیادی قرار گرفته است. زیرا برطبق این نظریه، دیگر جایی برای آموزش خودجوش و پویا باقی نمی ماند و برای مربی فرصتی نخواهد بود که بر پایه ی تجربیاتی که کودک از محیط خارج از مدرسه به همراه می آورد، ساختار جدیدی بنا سازد.

نظریات جدید انتقادی بر آن است که نظریه ی مونته سوری، نه تنها رشد و تکامل زبانی و تفکر نمادین را بسیار کم تحریک می کند، بلکه شیوه ی او چنان است که این احتمال را تقویت می کند که رشد و تکامل کودک، از مسیر صحیح منحرف گردد و در نتیجه، ضرورت تغییر شیوه پیش آید؛ این انتقادات زمانی قوت می یابد که به این امر هم توجه شود که روش اولیه ی او برای کودکان نابسامان و مشکل دار پیشنهاد شده بود.

هم سو با این انتقادات، برخی عقیده دارند که اصولا خانم مونته سوری سهم زیادی در علوم تربیتی نداشته است که بتواند بر اصول و مبانی تفکرات ما در باره ی کودکان خردسال تاثیر بگذارد. اما در عمل، ماریا مونته سوری اسباب بازی ها و وسایل بازی متناسب با اندازه های کودکان را به مهد کودک ها و کلاس ها معرفی کرد و امروزه این اندازه ها، به منزله ی نوعی استاندارد، در تمام کلاس های کودکان رعایت می شود. به علاوه، بسیاری از تجهیزات و وسایل مربوط به دروس ریاضیات و علوم، که امروزه برای آموزش کودکان مورد استفاده قرار می گیرد، در اصول آموزش مونته سوری ریشه دارد.

علاوه بر این اگر به نقد منصفانه پرداخته شود باید اشاره کرد که مونته سوری در علوم تربیتی جایگاه ویژه ای برای کودکان در نظر گرفت. زمانی که بسیاری از کودکان در سرتاسر جهان، در گروه های بزرگسالان و به شیوه ی آموزش جمعی تعلیم می دیدند، او نیازهای آموزشی آنان را به مثابه یک فرد مستقل و خود اندیش گوشزد کرد. او کودکان را فعال، پر جنب و جوش و پویا می دانست و با این طرز تفکر که کودکان فراگیرندگانی منفعل اند و باید با انبوهی از اطلاعات تحمیلی اشباع گردند، کاملا مخالف بود.

جای بسی تعجب است که نظریه ی فراهم آوری محیط مناسب آموزشی را، که طی آن کودک بتواند به خود پویایی دست یابد، بعدها بسیاری از اندیشمندان علوم تربیتی، که در تفکرات خود سهمی برای مונته سوری قایل نبودند، از او اقتباس کردند و در حال حاضر، آثار مונته سوری پایه ی بسیاری از فعالیت های انجام شده در زمینه ی تربیت کودک است. (کورتیس، 1380)

نتایج

مونته سوری، از نظریه پردازان برجسته تعلیم و تربیت کودک، دلالت های تربیتی خود را در آثارش طرح و آنها را در عمل پیاده کرده است. او که اغلب آثارش درباره آموزش کودکان و آگاهی بخشی به مربیان کودک و والدین آنهاست، برنامه های آموزشی خود، به ویژه آموزش کودکان با مشکلات خاص را در کشورهای مختلف چه در قالب نظری و چه به صورت عملی پیاده کرده است. تلفیق بین نظر و عمل، افکار و اعمال او را کاربردی تر و برجسته تر ساخته است.

بی شک فلسفه تعلیم و تربیت او از عقاید روسو، فروبل و دیگر طبیعت گرایان و همچنین دیویی تأثیر پذیرفته است، همچنان که نظریه های او بر شکل گیری و نظامدهی به آموزش و پرورش کودکان و به خصوص کودکان با مشکلات خاص تأثیرگذار بوده است. فلسفه او از سوی انسانگراست و برای انسان به عنوان موجودی صاحب اراده برای تعیین سرنوشتش ارزش قائل است و از سوی دیگر دیدگاهی اجتماعی دارد، بدین معنا که انسان، این موجود صاحب اراده، دارای بعدی اجتماعی است و باید نقش خود را در جامعه یافته و خود و جامعه اش را آنگونه که می خواهد بسازد.

مونته سوری نظریه خود را درباره آموزش و پرورش کودکان در قالب کتاب و گفتگو و همچنین پیاده کردن آن در کلاس های پیش از دبستان در کشورهای مختلف مطرح کرده است. روش پیشنهادی او که آموزش طرح مسئله نام دارد از طریق گفتوشنود در محافل فرهنگی به اجرا در می آید. او که منتقد آموزش بانکی است، از انباشت اطلاعات در ذهن متربیان در این روش انتقاد کرده و معتقد است برای بالابردن آگاهی و توانایی متربیان باید آنها را واداشت تا به مسائل مطرح شده توسط مربی که در قالب موضوعات عینی و ملموس جامعه پیرامون آنها مطرح میشود، آزادانه فکر کنند و با دیدی تیزبینانه این مسائل را تحلیل و به پاسخ برسند.

مونته سوری معتقد است که محیط کلاس باید با زندگی کودکان متناسب باشد. به همین دلیل میزها، صندلی ها، تخته سیاه، اثاثیه و بالاخره کلیه تجهیزات مدرسه باید متناسب با سطح دید کودکان بوده و شکل و اندازه آنها با قد و قامت کودکان هماهنگی داشته باشد تا کودک در به کارگیری و استفاده از آنها مشکلی نداشته باشد، این امر خود به استفاده مستقلانه از وسایل کمک می کند. (مفیدی، 1390)

به طور کلی نظریه حاکم بر برنامه درسی این الگو بر نظریه رشد گرایان استوار است و به کودک در یک موقعیت آزاد اجازه می دهد تا شایستگی های رشدی خود را به طور انفرادی و بدون مداخله بزرگسالان آشکار سازد. در این رویکرد تعامل کودک با طیف گسترده ای از مواد و منابع است که جریان رشد را تسهیل می کند و به کودک کمک می نماید موانع را به سوی مراحل بالاتر رشد، از سر راه برد. فلسفه آموزش مונته سوری بر این اصل استوار است که میزان تکرار مورد نیاز هر کودک از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بنابراین انعطاف پذیری لازم در میزان تکرار مورد نیاز هر مهارت در هر روز برای همه کودکان وجود دارد. (انجمن مונته سوری امریکا، 2004)

مونته سوری دریافت که کودکان نمی توانند در یک زمان ، مهارتهای زیادی را فرا بگیرند. بعضی از تکالیف برای آنها دشوار است چون آنها فاقد بعضی از مهارت های حرکتی لازم هستند. برای برخورد با چنین مسائلی، آموزشی خاص را تدوین کرد. وی بر این اساس از نظام آموزشی حمایت می کرد که بتواند برای کودک محیطی فراهم آورد تا با سرعت خود رشد کند. بعضی دیدگاه های مهم مونته سوری عبارتند از:

- هر گونه کوشش در آموزش و پرورش باید بر اساس تمایل و خواسته ی طبیعی کودک برای یادگیری باشد.
- خود فعالی ۲۸ کودک ، به یادگیری بهتر و دایمی تر منجر می شود.
- کودک ، دانش در باره ی محیط را اساسا از طریق حواس خود کسب می کند. بنابراین، تربیت هر یک از حواس پنجگانه برای کودکان ضروری است.
- تمرین و کسب تجربه در زندگی عملی باید بخشی ضروری از برنامه های دوره ی پیش از دبستان باشد. (کول، ۱۳۹۱)

عناطر اصلی برنامه درسی در آموزش و پرورش مونته سوری را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

- 1. اهداف تربیتی :** کسب مهارت تسلط بر محیط خود، پرورش حواس، آشنایی و شناخت علایق شخصی، پرورش رشد هیجانی و اجتماعی، تحریک و رشد توانایی های فیزیکی و پرورش رشد استقلال و کسب مهارت های فردی و اجتماعی در زندگی روزمره از مهمترین اهدافی است که مونته سوری در آموزش های خود بر آن تأکید دارد.
- 2. روش آموزشی :** مونته سوری به شدت با آموزش سنتی مخالف است و در مقابل آموزش طرح مسئله به کمک حواس و خودآموزی را پیشنهاد می کند ؛ روش آموزشی وی نیز برگرفته از خود کودکان بود، او کودکان را محدود نمی کرد، بلکه در محیطی قرار می داد تا خود را نشان دهند.
- 3. نقش معلم و دانش آموز :** در آموزش طرح مسئله و خودآموزی، موقعیت آموزشی از قالب سنتی مربی و شاگرد به الگوی مربی -متربی بدل می شود. در این الگو مربی در نقش "کارگردان" و متربی در نقش "جستجوگر فعال" ظاهر می شوند.
- 4. محتوای آموزشی :** در این دیدگاه، محتوای آموزشی محتوای مهارتی است که با توجه به تجارب عملی از زندگی متربیان اخذ می شود.
- 5. ارزشیابی آموزشی :** مونته سوری از خود -ارزیابی و خود اصلاحی متربیان به منظور ارزشیابی روش آموزشی خود استفاده می کند که در آن رضایت مندی متربیان از فعالیت های آموزشی حین گفت و شنود، میزان عملی کردن آنها و قربات موضوعات گفت و شنود با زندگی روزمره آنان مدنظر قرار گرفته و تغییراتی که در این موارد ایجاد شده، ارزشیابی می شود.

منابع:

آقازاده ، ا. ۱۳۹۲ آموزش و پرورش. تطبیقی. تهران: انتشارات سمت.
ترکمان، م. ۱۳۸۲. مقدمات زبان آموزی، ویژه مراکز آموزش قبل از دبستان انتشارات مدرسه ، تهران

- حبیبی، پ و احمدی قراچه، ع. 1390. الگوهای جهانی آموزش پیش از دبستان. تهران: سروش.
- عباسی، ع. 1382. طراحی الگوی بهینه برنامه درسی برای کودکان در استان ها، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدی، ب. 1387. مهارت های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستان ایران. فصلنامه روانشناسان ایران. 333-341
- فیشتر، ر. 1385. آموزش تفکر به کودکان. ترجمه دکتر مسعود صفایی مقدم و افسانه ی نجاریان، تهران: نشر رسش.
- کورتیس، آ. 1380. برنامه درسی برای کودکان پیش دبستانی. مترجم محمد اطهاری. تهران: انتشارات محراب قلم.
- کول، و. 1391. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش دبستان. ترجمه فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات سمت.
- مفیدی، ف. 1390. مبانی آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. تهران: انتشارات سمت.
- مهدوی، ص. 1384. آموزش برای دنیای جدید. تهران: متن گستران آریا.
- مونت سوری، م. 1364. کودک در خانواده. ترجمه فهیمه دانشور. تهران: نقره

Al, S, Sari,R, & N.2012. A different perspective on education: Montessori and Montessori school architecture. Procedia - Social and Behavioral Sciences 46 (2012) 1866 – 1871. Available online at www.sciencedirect.com.

AMERICAN MONTESSORI SOCIETY.2009. Montessori, Bank Street and other Pre-school Curriculums.<http://amshq.org/Montessori-Education/Introduction-to-Montessori2014/12/21>.

Arce, e.2000. Curriculum for young children: an introduction, Delmar Thomson learning.

Camilli, G., Vargas, S., Ryan, S., & Barnett, W. S. 2010. Meta-analysis of the effects of early education interventions on cognitive and social development. Teacher College Record, 112(3), 579–620

Edwards,C.2002.Three Approaches From Europe Waldorf, Montessorie And Reggio Emilia, University of Nebraska At Lincoln, ECRP.

Fuller .B, Bridges.m and Pai. S. 2007. Standardized Childhood:The Political and Cultural Struggle over Early Education . :Stanford University Press.page:385

Lillard, A. S.2013. Playful Learning and Montessori Education. American Journal of Play, volume 5, number 2 © The Strong.page 30:157-186 .Contact Angeline S. Lillard at aslzh@virginia.edu

Ongoren, S & TURCAN, A.2009. The Effectiviness Of Montessori Education Method In The Acquisition Of Concept Of Geometrical Shapes. World Conference on Educational Sciences 2009.Procedia Social and Behavioral Sciences 1 (2009) 1163–1166. Available online at www.sciencedirect.com

Rumbush,N. 1999. Montessori's Method: Stewardship of the Spirit Revision, Fall Vol.15,issue 2,pp:79-82.

UNESCO .2004. Global education digest 2004, UNESCO Institute for Statistics, Montreal/Paris.

UNESCO.2010. What is Your Image of the Child?.UNESCO Policy Brief on Early Childhood. January-March 2010 .page 2. www.unesco.org/en/early-childhood/unesco-policy-brief-on-childhood.

http://www.education.com/reference/article/Ref_Montessori_Approach/

<http://www.education.com/topic/montessori-preschool/>

<http://www.education.com/reference/article/comparing-early-childhood-programs/>

<http://ecrp.uiuc.edu/v4n1/edwards.html>.